یادداشت ویژه

همدلی و همزبانی از دیدگاه اقتصادی

▪ دکتر غلامرضا خلیل ارجمندی

مقام معظم رهبری در بیانات نوروزی، سال ۹۴ را سال «دولت و ملت، همدلی و همزبانی» نامیدند. ایشان در بخشی از پیام خود فرمودند: «آرزوهای بزرگ ما برای ملت در سال ۹۴، پیشرفت اقتصادی است؛ اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ جهش‌های علمی به معنای واقعی است؛ عدالت قضایی و اقتصادی است و ایمان و معنویت است».
به نظر معظم‌له، این خواسته‌ها و آرزوها دست‌یافتنی است؛ هیچ‌کدام از این‌ها چیزهایی نیست که از ظرفیت ملت ایران و ظرفیت سیاست‌های نظام بیرون باشد.
«دولت، کارگزار ملت است و ملت، کارفرمای دولت است. هر چه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به‌درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند.»
با توجه به تأکیدات ایشان به پیشرفت‌های اقتصادی کشور در سال ۹۴؛ در این گفتار، همدلی و همزبانی از دیدگاه اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:
دولت–ملت (NATION–STATE) اصطلاحی است که از گذشته موضوع بحث اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است. این مفهوم از زمان افلاطون نیز در حوزه مباحث مربوط به حکومت و رابطه آن با مردم، کاربرد داشته است. توجه به مفهوم دولت–ملت، به ما در درک صحیح پیام نوروزی مقام معظم رهبری کمک می‌کند. مقام معظم رهبری در عین نظارت عالیه بر ارکان حکومت و هدایت قوا در انجام مطلوب مسئولیت‌ها، همواره به نقش بی‌بدیل مردم در موجودیت حکومت و کارکردهای حکومتی تأکید داشته‌اند. پیام مقام معظم رهبری، به هیچ‌وجه منحصر به همدلی و همزبانی مردم با قوه مجریه نیست، بلکه این رهنمود فراگیر بوده و علاوه بر قوه مجریه، سایر قوا و ارکان حکومتی را نیز در بر می‌گیرد.
استمرار موجودیت جامعه و ثبات ماهیت حکومت‌ها و دولت‌ها و نیز ماهیت سیال مفهوم دولت–ملت و اجتناب‌ناپذیر بودن تغییر و جابه‌جایی حاکمان، همه و همه ضروری می‌نماید تا همگان خود را بخشی از یک ماهیت بدانیم. ماهیتی که هویت مشترک ملی و تاریخی همه ما در آن به وجود می‌آید و در آن معنا می‌یابد. برای تحقق این مسئولیت خطیر که هم‌زمان متوجه دولت و ملت است، لازم است تا اقدامات و فعالیت‌ها، غیرحزبی، غیرجناحی و فارغ از تعلقات سیاسی، قومی و نژادی و هم‌چنین هدفمند، بلندمدت و برخوردار از تدبیر و هدف باشد.
بررسی تاریخ گذشته نشان می‌دهد که جریان سازندگی کشور پس از جنگ، به نوعی مدیون همدلی‌های مردم است که در شرایط دشوار اقتصادی توانستند، با صبر و

بردباری الگوهای جهادی عرصه سازندگی را با حضور سازمان‌یافته خود شکل دهند. در سال‌های اخیر، مذاکرات هسته‌ای و تعامل ایران با کشورهای ۱+۵ و سازمان‌های بین‌المللی حلقه‌های همدلی و همزبانی ملت و دولت را تکمیل نموده است. احساس همدلی و همزبانی که از سوی دولت به مردم دست می‌دهد، مهم‌ترین سرمایه دولت برای پیشبرد برنامه‌های خود است. این همدلی که در الگوهای برخورد دولت با مردم مانند سفرهای استانی و دیدارهای مردمی رئیس‌جمهور ظهور می‌یابد، سرمایه اجتماعی دولت را افزایش داده و موجب می‌شود دولت یازدهم در عرصه داخلی و بین‌المللی، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌های ظالمانه توفیقات مناسبی کسب کند. یکی از محورهای همدلی و همزبانی امنیت است. امنیت زیرساخت حرکت و توسعه اقتصادی جامعه را فراهم می‌کند. همدلی و همزبانی می‌تواند آثار مثبت متعددی را برای نظام و کشور به همراه داشته باشد. در سطح مدیریت کلان هر جامعه‌ای، بی‌شک اهمیتی ویژه به سرمایه‌گذاری داده می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاری به معنای عام خود می‌تواند سرچشمه همه تحولات اقتصادی–اجتماعی در جامعه باشد و از این‌رو تأمین امنیت و مدیریت بر آن نیز از اهمیت و حساسیت بسیار بالایی برخوردار است.

سرمایه‌گذاری اساس تولید ثروت، ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری است. با تحقق این امر جامعه به تعادل می‌رسد و انسان‌ها از حقوق انسانی خود برخوردار خواهند شد. یکی از مؤلفه‌های اساسی که بر موضوع سرمایه‌گذاری تأثیر انکارناپذیر دارد، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید و مهم است که امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه در هر جامعه مطرح است؛ بدین معنا که شرط لازم برای پیشرفت جامعه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد-جامعه-دولت) است. افول سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای، آن را با مشکلات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عدیده‌ای روبه‌رو می‌سازد که نهایت آن، فروپاشی اجتماعی است. سرمایه اجتماعی عاملی است که می‌تواند به تولید امنیت در جامعه کمک کند و با کاهش هزینه‌های کنترل جامعه، موجب تقویت همبستگی اجتماعی شود. سرمایه اجتماعی موجب افزایش بده‌بستان‌ها در سطح جامعه می‌شود، با نهادینه شدن بده‌بستان‌ها در نظام اجتماعی، قدرت سیاسی در سطح جامعه بازتولید و توزیع می‌شود؛ بنابراین سرمایه اجتماعی با تأمین اعتماد مردم به نهادهای دولتی و تحقق مشارکت اجتماعی، ضمن تأمین امنیت منجر به افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

امروزه امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی است. تحولات اقتصادی جهان وضعیت خاصی را در جهان به وجود آورده است، به گونه‌ای که اثر خود را بر تمامی کشورهای جهان گذاشته است. امنیت اقتصادی در دو سطح خرد و کلان مطرح است که در سطح خرد امنیت اشتغال و درآمد را شامل می‌شود و در سطح کلان به امنیت‌گذاری در کشور می‌انجامد.

مهم‌ترین گام برای کشورهای در حال توسعه، دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی مطلوب منابع دست یافته و آن‌گاه به رفاه اقتصادی دست یابند. امنیت سرمایه‌گذاری چارچوب نهادینه‌شده‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب می‌نماید.

امنیت اشتغال و درآمد به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه، در مسیر

اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است. یک محیط امن اقتصادی، ارتباط تنگاتنگی با یک محیط باثبات اقتصاد کلان دارد. محیط امن اقتصادی ابعاد و ارکان مهمی دارد که شامل قانون و نظم کارآمد، ثبات معقول اقتصاد کلان، ثبات معقول سیاسی و از همه مهم‌تر اعتبار دولت در نزد سرمایه‌گذار است. بدون وجود سرمایه اقتصادی و سرمایه‌گذاری، جامعه دچار اضمحلال و انحطاط می‌شود، فقر بر همه‌چیز مستولی می‌شود، ناامنی جامعه را فرامی‌گیرد، افراد هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذارند، مشارکت اجتماعی به حداقل خود می‌رسد و اعتماد اجتماعی در روابط بین فردی با چالش مواجهه می‌شود.

نمونه این موضوعات را در کشورهای جهان می‌توان مقایسه کرد. به‌طوری که یک رابطه مستقیم میان رشد اقتصادی و نظم اجتماعی وجود دارد، به میزانی که رشد اقتصادی در یک جامعه فزونی یابد آن جامعه در تمام ارکان اجتماعی خود از نظم و امنیت برخوردار است. برعکس، در کشورها و جوامعی که مسائل اقتصادی و سرمایه‌گذاری اقتصادی با مشکل مواجهه باشد، جامعه دچار نابسامانی می‌شود. در دنیای مدرن، قدرت اقتصادی اساس همه‌چیز است و سایر ابعاد قدرت را تحت شعاع خود قرار می‌دهد، واضح است که لازمه دارا بودن یک اقتصاد پویا، سرمایه‌گذاری مادی است، لازمه رشد سرمایه‌گذاری و در نتیجه توسعه اقتصادی، عناصر امنیت و سرمایه اجتماعی است. از این‌رو جای آن دارد که این موضوع از سوی متخصصان کشور مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا روشن شود که در کشورهای موفق، توسعه و مدیریت آن چگونه تحقق پذیرفته است.

از سوی دیگر، دو واژه حکمرانی و نهادهای حاکمیتی از دیرباز لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند، به نوعی که شاخص‌های حکمرانی، شاخص‌های حاکمیتی نیز نامیده می‌شوند. ریشه‌یابی واژه حکمرانی ما را به واژه یونانی (kubernan) راهبری یا هدایت کردن می‌رساند. واژه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. واژه حکمرانی تمرین قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری کشورها در تمامی سطوح به‌منظور ایجاد توسعه پایدار انسانی است. واژه حکمرانی خوب به معنای توانمندسازی دولت، مفهومی است که به تازگی وارد متون توسعه اقتصادی شده و در مقابل دیدگاه‌های پیشین توسعه، نه دولت بزرگ و نه دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند، بلکه بر این تأکید دارد که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد.

حق اظهارنظر و پاسخگویی به‌عنوان اولین شاخص، دربردارنده مفاهیمی چون آزادی بیان؛ به نوعی بیان همدلی و همزبانی دولت و مردم، شکل‌گیری احزاب، به رسمیت شناختن حقوق سیاسی افراد، آزادی مطبوعات و برگزاری انتخابات سالم است. در بسیاری از کشورها شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی را شاخص دموکراسی نشان می‌دادند. عدم پاسخگویی دولت‌ها، مقوله ایجاد فساد از جمله فساد مالی را در جامعه، به‌ویژه در بخش دولتی فراهم می‌کند. این امر باعث می‌شود مقدمات جذب سرمایه‌های خارجی به‌خاطر انگیزه مقامات رسمی قدرت‌طلب فراهم نشود.

اولین گامی که در جهت جذب سرمایه‌گذاری باید برداشته شود، این است که حکومت‌ها باید هزینه‌های لازم را جهت پاسخگویی پرداخت کنند. دومین مسئله این است که یک سیستم نظارتی قوی باید بر مسائل مالی و بودجه نظارت کند. در جامعه باید قوانین از شفافیت کافی برخوردار باشند که زمینه برای پاسخگویی دولت به‌خصوص پاسخگویی‌های اقتصادی فراهم شود. در واقع چنین قوانینی باید از درجه شمول بسیار بالایی برخوردار

باشند، به گونه‌ای که تمام ارگان‌های دولتی از مقامات پایین تا سطوح عالی کشور را در بر گیرند. دولت باید هزینه‌هایی که انجام می‌دهد را شفاف به عموم مردم اطلاع‌رسانی کند.

اگر مسئله پاسخگویی دولت به فراموشی سپرده شود، فساد در کشور ریشه می‌دواند و همانند ویروس تمام نهادها را در بر می‌گیرد و در صورت فقدان پاسخگویی دولت به مردم، اعتماد مردم از دولت سلب خواهد شد. قوانین باید هادی بخش خصوصی و دولتی در مسیر سرمایه‌گذاری باشند. در چنین شرایطی است که سرمایه‌گذار با آگاهی کامل قادر به انتخاب خواهد بود و این شرایط تخم فساد را نابود خواهد کرد. این قضیه را باید پذیرفت که قدرت همواره گرایش به سمت فساد دارد. اگر عنصر گرایش به فساد، با تمرکز قدرت ترکیب شود، سلاحی سخت از آن ساخته می‌شود که زندگی آحاد جامعه را متلاشی خواهد کرد. راه عقلایی برای فرار از این خطر بسیار بزرگ، برقراری سیستم‌های نظارتی پرقدرت است. به همین خاطر است که وجود تجمعات، احزاب و تشکل‌های سیاسی به‌عنوان اتاق فکر، برای سلامت و امنیت جامعه ضروری است.

با بهبود شاخص صدای مردم، ظرفیت‌سازی و نهادسازی در این زمینه، می‌توان گروه‌های ذی‌نفع در اقتصاد اعم از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را درک کرد و منافع آن‌ها را نیز به حساب آورد. در یک جمع‌بندی کلی، همدلی و همزبانی باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. تقویت سرمایه اجتماعی، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در کشور ایجاد می‌نماید و به تبع آن رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های زندگی حاصل می‌شود.